

بررسی شاخص‌های ارتباط کلامی با نامحرم با رویکرد سبک زندگی اسلامی

سمیه رستمی*

احمد مرادخانی**

محمد رضا سالاری فر***

سید محمد شفیعی مازندرانی****

چکیده:

ارتباط کلامی زن و مرد نامحرم بخش مهمی از سبک زندگی اجتماعی است. ضرورت زندگی شهری ایجاب می‌کند تا زنان و مردان نامحرم در سطحی وسیع‌تر از گذشته با یکدیگر ارتباط داشته باشند. دین اسلام برای جهت‌دهی صحیح به این سطح از ارتباط، شاخص‌هایی را که برگرفته از آموزه‌های دینی است بر مبنای مفهوم سبک زندگی اسلامی ارائه می‌دهد. نوشتار حاضر، با هدف پاسخ به این سؤال که «شاخص‌های کلامی ارتباط با نامحرم از منظر آیات و روایات کدام است؟» ضمن تبیین مفهوم سبک زندگی، شاخص‌های مربوط به این ارتباط را در بعد اجتماعی مورد بررسی قرار داده است. این تحقیق در مقام گردآوری به روش کتابخانه‌ای و در مقام داوری به روش توصیفی-تحلیلی به این شاخص‌ها درباره لحن و محتوای کلام با نامحرم دست یافت: پرهیز از لحن عاطفی و محتوای کلامی تحریک‌آمیز، پرهیز از شوخی‌های کلامی و صحبت‌های خودمانی، مدیریت ارتباط کلامی به اندازه نیاز و ضرورت و ایجاد ارتباط کلامی در قالبی معروف و شایسته. در این صورت است که ارتباط کلامی دارای ارزش اخلاقی و موردپسند دین اسلام به وجود خواهد آمد.

واژگان کلیدی: ارتباط کلامی، سبک زندگی اسلامی، زن و مرد نامحرم.

* دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

talieh32@gmail.com

** استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول)

ah_moradkhani@yahoo.com

*** استادیار گروه روان‌شناسی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران

msalarifar@rihu.ac.ir

**** استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

Smshafiei@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۱۰

(۱) طرح مسئله

انسان موجودی نیازمند است و به تنهایی قادر نیست تمام نیازهایش را برآورده سازد؛ از این رو، احتیاج دارد تا برای برآورده ساختن نیازهای خود با دیگران ارتباط برقرار کند (طباطبایی ۱۴۱۷، ۲، ۱۱۷). ارتباط‌های انسانی در جوامع مختلف بشری همواره بر اساس مجموعه‌ای از قواعد و مناسبات معینی تنظیم شده و می‌توان همواره آن را واجد سبک دانست. بر این اساس، بحث از سبک زندگی و الگوهای رفتاری در محافل و مجامع بشری از اهمیت خاصی برخوردار بوده است (فاضل قانع ۱۳۹۳). سبک زندگی اسلامی به‌عنوان ساحتی مهم از فرهنگ اسلام دارای ابعاد فراوانی است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها سبک ارتباطی زن و مرد نامحرم است. با توجه به تعامل تنگاتنگ بین فرهنگ دینی اسلام و ارتباط‌های انسانی و اقتضائات جدیدی که در زندگی انسان‌ها به وجود آمده و همچنین گسترش ارتباطات در جوامع انسانی، دین اسلام برای تقویت ارزش‌های بنیادی خود سبک ارتباطی خاص و ویژه‌ای را بنا نهاده که بر این اساس در منابع اسلامی توصیه‌های متعددی در این خصوص به‌چشم می‌خورد که می‌توان این اصول و قواعد را در قالب سبک‌های ارتباطی موردبررسی قرارداد. از طرفی بسیاری از این اصول و قواعد در فقه موردبررسی قرار گرفته است. فقه به‌عنوان علمی که از آموزه‌های دینی شکل گرفته، بایدها و نبایدهایی پیش روی انسان قرار می‌دهد تا به‌واسطه عمل به آن‌ها به سعادت برسد. هرچند هدف اولیه فقه استنباط احکام شرعی از منابع دینی است؛ اما هدف نهایی این علم، رساندن انسان به فلاح و رستگاری است. از سوی دیگر، سبک زندگی اسلامی نیز بر مدار منابع دینی نهاده شده و به دنبال ارائه الگوهای دینی و الهی جهت سامان‌دهی زندگی دنیوی مردم است؛ بنابراین می‌توان گفت هدف هر دو دانش، تنظیم و سامان‌دهی زندگی دنیوی انسان‌ها برای رسیدن به سعادت و کمال است (فعالی ۱۳۹۶، ۲۸۷ و ۲۸۸). فقه فقط به جنبه خاصی از زندگی انسان نظر نمی‌کند؛ بلکه برای تمام مقاطع زندگی انسان دارای حکم شرعی است. از سوی دیگر، سبک زندگی نیز به تمام زوایای وجود انسان می‌پردازد و در واقع، هیچ‌یک از رفتارهای ارادی بشر نیست که از محدوده سبک زندگی خارج باشد. به این ترتیب، می‌توان گفت بین دانش فقه و سبک زندگی به‌لحاظ قلمرو و گستردگی ارتباط زیادی وجود دارد.

سبک‌های ارتباطی زن و مرد نامحرم در اسلام از حساسیت خاصی برخوردار است و رعایت ضوابط و قوانین خاصی را از سوی هر دو طرف می‌طلبد. رعایت یا ترک این احکام می‌تواند تأثیرات مثبت یا منفی بر روابط آن‌ها بگذارد و برکات و آسیب‌های خود را به فرد، خانواده و جامعه وارد سازد (صادقی زفره ۱۳۸۲، ۶). در این راستا قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام که مهم‌ترین منابع آموزه‌های دین اسلام به‌شمار می‌روند، سرشار از

شاخص‌های ارتباطی است که بر اساس آن‌ها می‌توان به احکام موردنظر اسلام در زمینه سبک‌های ارتباط کلامی بین زن و مرد نامحرم دست یافت. توجه به شاخصه‌های ارتباطات انسانی در معاشرت با نامحرم و ارائه سبک‌های ارتباطی صحیح موجب بهبود فرآیند ارتباطات اجتماعی در جامعه خواهد شد. بر این اساس، این سؤال مطرح است که شاخص‌های دین اسلام در زمینه ارتباط کلامی بین زن و مرد نامحرم با توجه به سبک زندگی اسلامی چیست؟ بر اساس سبک زندگی اسلامی ارتباط زن و مرد نامحرم به چه نحوی باید صورت گیرد تا زمینه انحراف به وجود نیاید؟ تحقیق حاضر به دنبال آن است که به این سؤالات پاسخ دهد و برای پاسخ به سؤالات فوق پس از طرح مبادی تصویری بحث در قالب مفهوم‌شناسی، به بررسی شاخص‌های مربوط به ارتباط کلامی با نامحرم پرداخته است.

۲) پیشینه پژوهش

در موضوع این مقاله پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته که برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: الف) در مقاله «ارتباط عقیقانه به مثابه نظریه‌ای فرهنگی-ارتباطی»، به مفهوم عفاف و چگونگی شکل‌گیری آن در سطوح مختلف ارتباطات انسانی پرداخته شده و به این نتیجه رسیده که عفاف در مجموعه دستورات دین اسلام به معنای غلبه عقل بر احساسات و شهوات انسان و پرهیز از هرگونه معصیت و خطایی در عمل و توجه به کرامت انسان در ارتباط با دیگران (محرم و نامحرم) است (کرمی و علم‌الهدی ۱۳۹۴)؛ ب) مقاله «ارتباط گفتاری زن و مرد نامحرم از دیدگاه کتاب و سنت» که به روشی کاملاً فقهی گفتگوی زن و مرد نامحرم را مورد تحلیل و بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیده که برای زنان و مردان نامحرم شایسته است ارتباط کلامی محدودی با یکدیگر داشته باشند و از ادای کلمات به گونه‌ای که مخاطب را نسبت به مسائل جنسی به طمع بیندازد پرهیز نمایند تا از وسوسه‌های شیطانی محفوظ بمانند (ظاهری‌نیا ۱۳۸۶)؛ ج) مقاله «مشارکت اجتماعی زنان از دیدگاه کتاب، سنت و فقه اسلامی»، ارتباطات زن و مرد در اجتماع را در جامعه موردبررسی قرار داده و چنین حاصل شده که صرف ارتباط زن و مرد با رعایت ضوابط شرعی منعی ندارد و باید این ارتباط در راستای کار و با رعایت حدود شرعی باشد و اگر بدون رعایت ضوابط و نه برای کار در اجتماع حضور یابند، این اختلاط مذموم و ناپسند به‌شمار آمده و منع شرعی را در پی خواهد داشت (احمدی و جربندی ۱۳۹۰). گرچه هریک از این مقالات به بررسی ابعاد عفاف، حجاب، پوشش و روابط اجتماعی با نامحرم پرداخته‌اند؛ ولی رویکرد اصلی در این مقالات بر اساس سبک زندگی اسلامی در ارتباط با نامحرم نیست. بر این اساس، وجه تمایز و نوآوری مقاله حاضر نسبت به آثار موجود، نگاه نسبتاً جامع این مقاله به بررسی شاخص‌های ارتباط کلامی زن و مرد نامحرم با رویکرد سبک زندگی اسلامی و معرفی مفاهیم و شاخص‌های دینی در این زمینه است.

۳) بررسی مفاهیم

الف) ارتباط میان فردی

این واژه از نظر لغت به معانی متعددی همانند ربط دادن و بستن چیزی را با چیز دیگر، رساندن، آگاه ساختن، انتقال دادن، مکالمه و مرادده داشتن بین افراد معنا شده است (دهخدا، ذیل واژه ارتباط). ارتباط در اصطلاح به معنای انتقال پیام (محتوای ارتباط) از سوی فرستنده برای مخاطب است و شیوه‌ای است که انسان‌ها به صورت کلامی و غیرکلامی معنایی را خلق می‌کنند و در آن سهیم می‌شوند (محسنیان راد ۱۳۹۲، ۵۷). بر این اساس، ارتباط شامل دو دسته کلامی و غیرکلامی می‌شود و نقش اصلی در اکثر فعالیت‌های انسانی را ارتباط کلامی به خصوص ارتباطات کلامی میان فردی به خود اختصاص داده است. ارتباط کلامی در واقع، مجموع روابطی است که از طریق گفتن و گفتگو حاصل می‌شود و شامل ارتباط درون فردی، میان فردی و ارتباط جمعی می‌شود. محوری‌ترین سطح ارتباطات انسانی در حوزه علوم اجتماعی ارتباط میان فردی است. ارتباط میان فردی فرآیندی است که طی آن اطلاعات، معانی و احساسات را از طریق کلامی و غیرکلامی با دیگران در میان می‌گذاریم (اون هارجی و همکاران ۱۳۹۳، ۲۱). این سطح از ارتباط، بین دو یا چند نفر از افرادی که در مجاورت یکدیگر هستند برقرار می‌شود و هدف در این نوع از ارتباط ردوبدل کردن اطلاعات، درک بهتر از یکدیگر و تأمین نیازهای اجتماعی است (همان، ۲۵).

ب) نامحرم

در لغت، نامحرم کسی است که از محارم نیست و نسبت به زن و مرد بیگانه است و شرعاً محرم زن نیست. (دهخدا، ذیل واژه نامحرم) محرم در اصطلاح، کسی است که ازدواج با او از نظر شرعی حرام و باطل است و در نگاه به او و تماس بدنی با او محدودیتی که نسبت به سایر افراد هست، وجود ندارد و نامحرم کسی است که نگاه کردن به او (به جز موارد استثناء) حرام و ازدواج با او حلال است (امام خمینی بی تا، ۲، ۲۶۲). از دیدگاه دین اسلام برقراری ارتباط با نامحرم جزو نیازهای اساسی در زندگی اجتماعی است و نمی‌توان منکر این امر شد؛ ولیکن این نوع از ارتباط را باید به نحوی مدیریت کرد که بتوان به نتایج مطلوب و صحیح در این سطح از ارتباط‌ها رسید.

ج) سبک زندگی اسلامی

مفهوم سبک زندگی یا (lifestyle) در ادبیات علوم اجتماعی از جمله مفاهیم نسبتاً جدیدی است که در خلال دهه ۸۰ م. در حوزه جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و مطالعات فرهنگی برای

بیان رفتارشناسی انسان‌ها به‌کاررفته است. (فعالی ۱۳۹۶، ۲۵) کلمه (lifestyle) از دو واژه «life» به‌معنای زندگی و «style» به‌معنای سبک تشکیل شده است (همان، ۴۸-۴۹). اصطلاح سبک زندگی یا شیوه زیستن، مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری نسبتاً پایدار است که متأثر از بینش‌ها و ارزش‌های انسان بوده و به‌صورت عینی در رفتار وی تجلی می‌یابد. سبک زندگی اسلامی، دربردارنده الگوهای رفتاری برگرفته از وحی الهی و آموزه‌های دینی است. زمانی که انسان سخن می‌گوید، راه می‌رود، با دیگران ارتباط برقرار می‌کند، یا نوع پوششی را که انتخاب می‌کند، درواقع از الگوی خاصی تبعیت می‌کند؛ این الگوهای رفتاری سبک زندگی فردی و اجتماعی هر انسانی را تشکیل می‌دهد. دین به‌عنوان ابزار جامع هدایت بشر و به‌عنوان نظامی از باورها و ارزش‌ها می‌تواند نقش حیاتی در شیوه زندگی انسان‌ها برای دستیابی به سبک الهی در زندگی داشته باشد؛ چراکه دین حاوی بینش‌ها و نگرش‌های اصیلی بوده که در سبک‌دهی به زندگی انسان می‌تواند نقش مهمی ایفا کند (فعالی ۱۳۹۴، ۲۵ و ۱۳۲).

د) سبک زندگی اجتماعی

در زمینه وجه فردی و اجتماعی سبک زندگی، متفکران نظرات مختلفی را بیان کرده‌اند. واضح است که اندیشمندان فردگرا، سبک زندگی را فردی و متفکران جمع‌گرا، آن را اجتماعی می‌دانند. آلفرد آدلر که روان‌شناسی او بر اساس سبک زندگی شکل گرفته و نسبت به دیگر دیدگاه‌های روان‌شناسی، نگاه معتدل‌تری را نسبت فرد و جامعه دارد تا حدودی سبک زندگی را فردی می‌داند و به تعداد افراد انسانی سبک زندگی متمایز در نظر می‌گیرد، اما این سبک‌های زندگی را قابل طبقه‌بندی می‌داند (مهدوی کنی ۱۳۸۶)؛ اما از طرفی دیگر جامعه‌شناسان سبک زندگی را علاوه بر بعد فردی، مفهومی جمعی قلمداد می‌کنند. به عقیده آنان آنچه در سبک زندگی پدیدار می‌شود، فردیت افراد است و افراد هستند که بر اساس سلیقه‌های خود، شیوه خاصی از زندگی را برمی‌گزینند، اما وجود انسانی بدون اجتماع معنایی ندارد و این افراد هستند که اجتماع را شکل می‌دهند. به‌همین دلیل، فرد در محیط جامعه و تحت تأثیر ارزش‌ها و هنجارهای محیط اجتماعی رشد می‌کند؛ بنابراین نمی‌توان فرد را از جامعه جدا دانست. پس سبک زندگی هم واجد جنبه فردی و هم اجتماعی است، یعنی می‌توان سبک زندگی یک فرد را در میان افراد دیگر دید (محمدزاده ۱۳۹۵).

ه) شاخص

شاخص در لغت به‌معنای برجسته، ممتاز، الگو و سرمشق است. (معین، ذیل واژه شاخص) در تحقیقات اجتماعی و فرهنگی، شاخص‌ها، معیارهایی هستند که رفتارها و ارزش‌های فرهنگی با آن‌ها سنجیده می‌شوند (یوسف‌زاده ۱۳۹۱، ۳۴). بر این اساس، منظور از شاخص،

معیارها و مطلوبیت‌هایی است که در منابع اسلامی بر آن‌ها تأکید شده و این مطلوبیت‌ها، معرف اسلامی بودن یک رفتار یا ساختار به‌شمار می‌روند. شاخص، ویژگی یا صفتی است که مطلوب شارع بوده و ما می‌توانیم آن را به‌مثابه نشانه‌ای برای امر معینی اخذ کنیم اعم از اینکه کیفی باشد یا کمی (همان، ۳۶).

۴) شاخص‌های ارتباط کلامی با نامحرم با رویکرد سبک زندگی

زبان و گفتار مهم‌ترین ابزار تعامل اجتماعی است، به‌طوری‌که در زندگی انسان هیچ رفتار ارتباطی به‌اندازه ارتباط کلامی تأثیرگذار نیست. برقراری ارتباط کلامی مؤثر و مطلوب یکی از محورهای سبک زندگی اسلامی است و مسلماً روابط انسانی به‌ویژه در جوامع متمدن امروز منحصر در روابط با جنس موافق نیست، بلکه بخشی از سبک زندگی ما در ارتباط کلامی با غیر هم‌جنس شکل می‌گیرد. از این‌رو، فهم زبان و بررسی کارکردهای اخلاقی زبان به فهم بهتر و اجتناب از خطاهای اخلاقی در این زمینه کمک می‌کند (میر شاه جعفری و همکاران ۱۳۸۹). بر این اساس، یکی از راه‌هایی که می‌توان به درک بهتری از ارتباط کلامی با نامحرم دست‌یافت بررسی قواعد و اصولی است که در سبک زندگی اسلامی از آنان به‌عنوان شاخص بهره برده شده است. معیارها و شاخص‌هایی که دین اسلام برای ارتباط بین نامحرمان قرار داده بر مبنای اصل عدم مفسده و پیشگیری از وقوع در امر حرام است؛ زیرا بسیاری از انحطاط‌های اخلاقی بشر متأثر از ارتباط‌های میان فردی ناسالم و به‌کارگیری نادرست و نابه‌جای زبان و گفتار ناشی شده است. در یک طبقه‌بندی کلی، می‌توان مجموعه آموزه‌های دینی در ارتباط کلامی با نامحرم را به دو بخش تقسیم کرد: بخش اول، مدیریت لحن و صدا و بخش دوم، مدیریت محتوای کلام در ارتباط با نامحرم است.

الف) شاخص مدیریت لحن

سخن گفتن یکی از مهم‌ترین ملاک‌ها در معاشرت است. نوع بیان و لحن کلام در مخاطب تأثیر زیادی دارد، زیرا لحن و صدای شخص به‌اندازه حرکات بدن، چهره و چشم‌ها اطلاعات به دیگران منتقل می‌کند. در ارتباط بین دو نامحرم، خود پیام (محتوای کلام) نیز باید کانون توجه باشد و زن باید از نازک کردن صدا که خارج از محدوده عفاف و سبک ارتباط دینی است پرهیز کند. با توجه به تفاوت صدای زن و مرد و ظرافتی که در لحن کلام زن برای به هیجان انداختن مرد وجود دارد روان‌شناسان معتقدند: «صدا اولین محرک و عامل جنسی به‌شمار می‌آید... و صدای زن در مردها اثر بسزایی دارد» (کرمی و علم‌الهدی ۱۳۹۴). در این بخش به معرفی مهم‌ترین معیارهای سبک دین اسلام درباره سه محور مدیریت شنیدن، مدیریت میزان ارتباط کلامی و پرهیز از لحن‌های دارای پیام‌های عاطفی با نامحرم می‌پردازیم.

یک) مدیریت شنیدن

یکی از مؤلفه‌های اصلی ارتباط میان فردی، گوش دادن است؛ زیرا در صورت عدم وجود آن، ارتباطات سطحی و یا مختل خواهند شد. باید دانست که گوش دادن به خودی خود روی نمی‌دهد؛ بلکه شنونده می‌کوشد احساسات و عقایدی را که می‌شنود درک کند (اون هارجی ۱۳۹۳، ۲۳۷). شنیدن یک فعالیت فیزیکی برای درک صدا و نقطه‌ای است که فرآیند گوش دادن آغاز می‌شود (همان، ۱۸۶). گوش دادن برخلاف شنیدن، یک فرآیند فعال در توجه کردن به صدا (نحوه ارائه - محتوا) و ارجاع دادن معنی به آن صدا و انجام واکنش به آن است؛ بنابراین شنیدن بخشی از فرآیند گوش دادن است (محسنیان راد ۱۳۹۳، ۱۸۴). در ابتدا باید بیان کرد که مسئله جواز استماع صدای زن جزء مسلمات است؛ زیرا که شنیدن و گوش دادن، لازمه ارتباط با جنس مخالف است و نقش مهمی در ایجاد یک ارتباط کلامی سالم با نامحرم دارد و دلیل آن نیز سیره قطعی بین مسلمانان و ضروری بودن و مخصوصاً سیره قطعی تاریخی رسول خدا ﷺ و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) است (مطهری ۱۳۸۹، ۱۹، ۵۶۶). خداوند متعال در زمینه گوش دادن به صدای تحریک‌کننده در قرآن کریم می‌فرماید:

ای زنان پیغمبر! به هنگام سخن گفتن با نامحرم با ناز و عشوه سخن نگویند و سخن معروف و شایسته بگویند^۱ (احزاب، ۳۲).

در این آیه، خداوند متعال سخن گفتنی را حرام دانسته که همراه با نرمی در کلام باشد و از زنان خواسته به‌دوراز هرگونه نازک کردن صدا سخن بگویند؛ تا باعث طمع افراد بیمار دل نشوند. این حکم اختصاصی به زنان پیامبر ندارد؛ بلکه عمومیت داشته و شامل زنان دیگر نیز می‌شود. پس شنیدن سخنانی که خالی از هرگونه تحریک و تهییج باشد اشکالی ندارد (بحرانی ۱۴۲۹، ۱، ۷۳؛ خویی ۱۴۱۸، ۳۲، ۸۱). در متون فقهی نیز بیان شده که شنیدن (گوش دادن) به صدای زن نامحرم در صورتی که تلذذ و ریب‌های در کار نباشد جایز است و فرقی نمی‌کند که شنونده بینا باشد یا نابینا، گرچه احتیاط مستحب است تا وقتی ضرورتی پیش نیامده به صدای زن نامحرم گوش ندهد (یزدی ۱۴۱۹، ۵، ۴۹۷). منظور از تلذذ، شنیدن از روی لذت و به قصد لذت بردن است؛ (مطهری ۱۳۸۹، ۱۹، ۵۰۸) و نیز ریب‌ها لغت به معنای تهمت، بدگمانی و شک آمده (فراهیدی ۱۴۱۰، ۸، ۲۸۷) و در اصطلاح فقهی، به خوف افتادن در فتنه و امر حرام و به آنچه با نامحرم در هنگام نگاه به او در ذهن خطور می‌کند از میل به بوسیدن، در آغوش گرفتن و همچنین نگاه کردن با لذت و شهوت تفسیر شده است. (حکیم ۱۴۱۶، ۱۴، ۲۹)

هر انسان مؤمنی برای دستیابی به معیار و شاخص در زندگی، در پی یافتن الگویی

۱. یا نساء الّٰی لَسُنُّنٌ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنْ التَّقِيُّنُ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرْغَبٌ وَ لَنْ قَوْلًا مَعْرُوفًا.

پسندیده است تا زندگی خویش را با آن بیاراید. بر این اساس، برای شناخت شاخصه‌های سبک ارتباطی با نامحرم در اسلام، پس از کلام خدا (قرآن کریم) رجوع به سخنان و دستورات و سیره عملی پیشوایان دینی حائز اهمیت فراوان است. در این زمینه روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله به زن‌ها سلام می‌کرد و جواب ایشان را می‌داد و شیوه حضرت علی علیه السلام این بود که به زن‌ها سلام می‌داد؛ ولی خوش نداشتند که به زن‌های جوان سلام دهند و می‌فرمودند می‌ترسم از صدایش خوشم آید و ضرر این کار از پاداش سلام کردن بیشتر باشد^۱ (کلینی ۲۰۱۴۰۷، ۶۴۸).

طبق این روایت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مطلق زنان و امیرالمؤمنین علیه السلام به غیر شابه (غیر زنان جوان) سلام می‌کردند. محدثان بزرگ از جمله مرحوم صدوق فرموده‌اند که منظور روایت این است که حضرت علی علیه السلام می‌خواهد به دیگران درس بدهد که اگر مرد جوان است و زن نیز جوان است، بهتر است که به او سلام نکند؛ شاید که در شنیدن صدای زن نامحرم خوف افتادن در فتنه و گناه باشد و گرنه مقام ایشان بالاتر از این حرف‌هاست؛ چراکه ایشان مقام عصمت داشتند (مکارم شیرازی ۱۴۲۴، ۱، ۷۶) از این رو، بنا بر نظر برخی از فقها، سلام کردن به زن جوان کراهت دارد؛ (تبریزی، ۲، ۴۸۷) ولی در هر صورت این کار ذاتاً جایز است و حرمت ندارد. (زنجانی ۱۴۱۹، ۳، ۹۰۴) در حقیقت این روایت بیان می‌کند که اگر صدای زن محرک شهوت باشد و شنیدن آن باعث ایجاد فتنه و فساد در شخص شود، شنیدن آن حرام است، در غیر این صورت، شامل حرمت نمی‌شود. بنابراین در ارتباطاتی که بین نامحرمان صورت می‌گیرد زن نباید به گونه‌ای مهیج و محرک با مرد نامحرم سخن بگوید و صدایش را به گوش او برساند و هر سخنی که به لحاظ آهنگ و صدا دارای ناز و کرشمه در برابر نامحرم باشد ممنوع است.

دو) مدیریت میزان ارتباط کلامی

از آنجاکه در جامعه اسلامی روابط گسترده‌ای میان زنان و مردان وجود دارد و آن‌ها ناگزیر از سخن گفتن با یکدیگر هستند؛ این سؤال مطرح است که بر اساس سبک زندگی اسلامی آیا زن و مرد نامحرم مجازند هر مقدار که بخواهند با یکدیگر گفتگو کنند؟ اقوال مختلفی در این زمینه از گذشته در میان فقها وجود داشته است. بعضی قائل به حرمت سخن گفتن و بعضی قائل به جواز و بعضی دیگر فقط پنج کلمه صحبت کردن با زن نامحرم را اجازه داده‌اند. علمایی از جمله علامه حلی و محقق حلی قائل به حرمت مطلق

۱. كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَسَلِّمُ عَلَى النِّسَاءِ، وَ يُرَدُّنَّ عَلَيْهِ وَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَسَلِّمُ عَلَى النِّسَاءِ، وَ كَانَ يَكْرَهُ أَنْ يَسَلِّمَ عَلَى الشَّابَّةِ مَهْنَةً، وَ يَقُولُ: أَلْتَحَوَّفُ أَنْ يَعْجَبَنِي صَوْتُهَا فَيُدْخِلَ عَلَيَّ أَكْثَرَ مِمَّا أُطَلَّبُ مِنَ الْأَجْرِ.

سخن گفتن با نامحرم هستند و معتقدند احتیاط در این است که صحبت کردن با نامحرم بیشتر از پنج کلمه جایز نیست. ولی علمایی همچون صاحب ریاض اعتقاد به کراهت صحبت کردن با نامحرم بیشتر از پنج کلمه را دارند و سخن گفتن را در موارد ضروری جایز می‌دانند (حائری ۱۴۱۸، ۱۱، ۵۸)؛ اما امروزه این مسئله جزء مسلمات است و فقها سخن گفتن با زن را جایز دانسته (مکارم شیرازی ۱۴۲۴، ۱، ۷۵) و صحبت کردن با نامحرم را در غیر ضرورت مکروه می‌دانند (امام خمینی بی‌تا، ۳، ۴۳۵)؛ و سخن گفتن با نامحرم را درجایی حرام می‌دانند که در آن احتمال ربه و گناه وجود داشته باشد؛ خصوصاً آنجایی که این سخن گفتن به خنده و شوخی با نامحرم منتهی شود (بحرانی ۱۴۲۹، ۱، ۷۵).
در این خصوص پیامبر اکرم ﷺ زنان را از اطلاع سخن با نامحرم منع کرده و فرمودند:

زن نباید بیشتر از پنج کلمه با مرد نامحرم سخن بگوید مگر در هنگام ضرورت^۱ (حر عاملی ۱۴۰۹، ۲۰، ۱۹۷).

به نظر می‌رسد معنای روایت این نیست که در دین اسلام، زن و مرد نامحرم مجازند که فقط تا محدوده پنج، شش کلمه باهم سخن بگویند، نه بیش از آن، بلکه مقصود از آن پرهیز از اطلاع کلام و درازگویی و اکتفا به مقدار نیاز است. همچنان که فقیهان شیعه از جمله صاحب جواهر، حد و جویی که فراتر رفتن از آن حرام باشد را از این روایت استفاده نکرده‌اند و این روایت را به خاطر ضعف سند و دلالت، به خاطر اجماع امت بر سخن گفتن بیش از حد ضرورت بر کراهت حمل کرده‌اند (نجفی ۱۴۰۴، ۲۹، ۹۹). دیگر اینکه این حدیث، حدیث مناهی است و در احادیث مناهی، نهی‌هایی از پیامبر ﷺ نقل شده که بسیاری از آن‌ها مکروه است و اینکه گفته شود این حدیث دلالت بر حرمت دارد مشکل است و هیچ فقهی به آن ملتزم نمی‌شود (حائری ۱۴۱۸، ق، ۱۱، ۵۸)؛ زیرا یقیناً سخن گفتن زن با مرد نامحرم در مقام ضرورت به هر مقدار جایز است و شاهد این ترخیص را می‌توان خطبه حضرت فاطمه زهرا رضی الله عنها در میان مهاجران و انصار و کلام حضرت زینب رضی الله عنها در مجلس عیدالله بن زیاد و یزید بن معاویه دانست (کلاتری ۱۳۹۱، ۱۹۸).

بر این اساس، می‌توان گفت که یکی از شاخص‌های دین اسلام در ارتباط گفتاری زن و مرد نامحرم، پرهیز از ارتباط‌های کلامی غیر ضروری است و به نامحرم توصیه شده که در میزان ارتباط کلامی به حد ضرورت اکتفا کرده و از صحبت‌هایی که منجر به خودمانی شدن طرفین شده و زمینه ارتکاب گناه را فراهم می‌آورد پرهیز نمایند؛ زیرا سخن گفتن غیر معمول و انتقال پیام‌های عاطفی در گفتگو با نامحرم، نقطه آغاز لغزش زن و مرد است و ریشه بسیاری از مفاسد اجتماعی و ازهم پاشیده شدن خانواده‌ها در همین ارتباطات

۱. نَهَى أَنْ تَتَكَلَّمَ الْمَرْأَةُ عِنْدَ غَيْرِ زَوْجِهَا وَ غَيْرِ ذِي مَحْرَمٍ مِنْهَا أَكْثَرَ مِنْ خَمْسِ كَلِمَاتٍ مَا لَا بُدَّ لَهَا مِنْهُ.

غیرضروری زن و مرد نامحرم نهفته است.

سه) پرهیز از لحن‌های دارای پیام عاطفی

از مهم‌ترین عوامل برقراری ارتباط کلامی مؤثر در سبک زندگی اسلامی، نیکو سخن گفتن است؛ زیرا زبان تأثیر مستقیم بر قلب و دل انسان می‌گذارد. زبانی که به گفتار پسندیده آراسته است، تأثیر آن بر قلب و دل ظاهر می‌شود و در تحول آن نقش عمده‌ای دارد. همچنین آلوده شدن سخن به گفتار زشت و ناپسند قلب را از زشتی و سیاهی پر می‌کند. زن به جهت آنکه دارای ظرافت و لطافت خاصی در کلامش است باید که سخن گفتن او به‌دوراز هرگونه پیام‌های عاطفی باشد و لحن و آهنگ کلام خود را به‌گونه‌ای قرار دهد که از ایجاد هرگونه تحریک و وسوسه در مخاطب جلوگیری نماید. همچنین عواطف نقش تأثیرگذاری در زندگی میان فردی هر انسانی دارد. بر این اساس، در دین اسلام زنان باید در هنگام سخن گفتن با نامحرم از نرمش، لطافت و پیام‌های دارای بار عاطفی و احساسی خودداری کنند. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، خداوند متعال در آیه ۳۲ سوره احزاب،^۱ به زنان پیغمبر ﷺ دستور داده، وقار و حیا را در سخن گفتن با نامحرم رعایت کنند و به نحو تحریک‌آمیز و احساسی سخن نگویند. خضوع در آیه به‌معنای تواضع (قرشی ۱۴۱۲ ق، ۲، ۲۵۷) و نرم سخن گفتن همراه با پیام عاطفی است که زنان از آن نهی شده‌اند (طباطبایی ۱۴۱۷ ق، ۱۶، ۳۰۹) و سخن پسندیده با نامحرم از نظر شرع و عرف اسلامی سخنی است که با صدای درشت (طبرسی ۱۳۷۷، ۳، ۳۱۳) و به‌دوراز هرگونه تهمت و ریبه باشد تا مبدا کسانی که در دل مرض دارند به طمع بیفتند (طبرسی ۱۳۷۲، ۷، ۵۸۸). پس خضوع در قول، به‌معنای تواضع در ادب نیست، بلکه به‌معنای نرمی صدا در صحبت با نامحرم است که از آن نهی شده است. دلیل این حرمت نیز احتمال ریبه و وقوع در معصیت است (مکارم شیرازی ۱۴۲۴ ق، ۱، ۷۸)؛ بنابراین بر اساس سبک ارتباطی دین اسلام، ارتباط کلامی زن و مرد نامحرم جایز است، اما این‌طور نیست که برای آن‌ها محدودیتی وجود نداشته باشد، زیرا از آنجایی که سازوکار مکالمه، بر گفتن و شنیدن است باید این ارتباط به نحوی مدیریت گردد تا به ارتباط سالم و مؤثر منتهی شود.

بنابراین از دیدگاه آموزه‌های دینی، پیام‌های خالی از عاطفه و احساس، معیار و سنجش یک ارتباط کلامی دارای ارزش اخلاقی است، به این معنا که آن ارتباطی سالم و دارای ارزش مثبت است که در آن خبری از انتقال عواطف خاص نباشد.

ب) شاخص مدیریت محتوای کلام

یکی از متغیرهای مؤثر در کلام، محتوای کلام است که غیر از شکل و ظاهر کلام است.

۱. یا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنَّ الْأَقْبَابَ فَلَا تُخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقَلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا.

پیام‌هایی که بین زن و مرد در ارتباط با یکدیگر ردوبدل می‌شود باید عاری از هرگونه عاطفه و احساس خاص باشد. محتوای کلام در صحبت با نامحرم در سبک زندگی اسلامی مصادیق مختلفی را شامل می‌شود. یکی از آن موارد پرهیز از به‌کارگیری سخنان تحریک‌آمیز با نامحرم و دیگری پرهیز از شوخی‌های بی‌مورد است که در ذیل به آن‌ها پرداخته شده است.

یک) پرهیز از کلام‌های تحریک‌آمیز

کلام پاک، سنجیده سخن گفتن و پرهیز از سخنان تحریک‌آمیز، از معیارهای سخن نیک است. اگر کلام بر خواسته از ادب و عفت باشد، علاوه بر اینکه نشانه ادب و عزت نفس شخص گوینده است، موجب احترام متقابل شده و زمینه را برای ایجاد رابطه‌ای پاک و سالم برقرار خواهد کرد (ایروانی و همکاران ۱۳۹۰، ۲، ۴۷۸). در سرگذشت حضرت یوسف علیه السلام دیده می‌شود که همسر عزیز مصر بی‌عفتی به خرج داده و با مرآده کلامی، وی را به ارتباط نامشروع فرامی‌خواند، لیکن حضرت یوسف در برابر خواسته‌های آن زن مقاومت کرده و او را از خود ناامید می‌سازد. در قرآن آمده است که:

آن زن از یوسف که در خانه او بود، تقاضای کام‌جویی کرد؛ و گفت: به‌سوی آنچه برای تو مهیا کرده‌ام بیا. یوسف گفت: پناه می‌برم به خدا، او صاحب نعمت من است و مقام مرا گرامی داشته؛ مسلماً ظالمان ستمگر رستگار نمی‌شوند^۱ (یوسف، ۳۰).

از این آیه استفاده می‌شود که آن زن با رفت‌وآمدهای پی‌درپی خود تلاش می‌کند تا یوسف را به‌خود فراخواند و باب گفتگو را با او می‌گشاید و چون به خواسته‌هایش نمی‌رسد زنان دیگر را به این امر تحریک می‌کند و آنان هرکدام جداگانه از او تقاضای نامشروع می‌کنند (طبرسی ۱۳۷۲، ۵، ۳۵۳). مرآده در آیه، به‌معنای آمدوشد کردن به‌آرامی، برای یافتن چیزی است (راغب اصفهانی ۱۴۱۲، ۳۷۱) و این رفتار همسر عزیز مصر در نتیجه رفت‌وآمدهای نادرست او از یک علاقه و ارتباط طبیعی است که باعث شد زمینه گناه را فراهم آورد، اما حضرت یوسف در برابر او تسلیم نشده و از خداوند متعال چنین مسئلت کرد: پروردگارا زندان نزد من محبوب‌تر است از آنچه اینان مرا به‌سوی آن می‌خوانند؛ و اگر مکرشان را از من بازگردانی به‌سوی آنان متمایل خواهم شد و از جاهلان خواهم بود^۲ (یوسف، ۳۳).

از این آیه استفاده می‌شود که بیان مطالب تحریک‌آمیز و احساسی در گفتگو با نامحرم تا آنجا خطرناک است که آن حضرت با مقام طهارت و قداست خویش از آن امر

۱. وَاوَدَّعْتُ الَّتِي هُوَ فِي نَيْبِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَ غَلَقْتُ الْأَبْوَابَ وَ قَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنُ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ.

۲. قَالَ رَبِّ السُّجُنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَ إِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنْ مِنَ الْجَاهِلِينَ.

بیمناک بود و حاضر شد از در گفتگوی نامشروع با زنان هوسران بیرون رفته و رفتن به زندان را بر انجام گناه ترجیح دهد. در واقع، قرآن کریم با بیان سرگذشت حضرت یوسف در پی ارائه الگویی شایسته از یک انسان مؤمن در ارتباط با نامحرم است و می‌خواهد زشت‌ترین عمل یک زن که سوءاستفاده کردن از احساسات و عواطفش است را بیان کند و اینکه زنان هوشیار باشند و موهبت‌هایی را که خداوند متعال در وجودشان نهاده را در جهت رسوایی خود به خرج ندهند؛ و از سوی دیگر، به مردانی که معمولاً مقاومت کمی در برابر وسوسه‌های جنسی دارند و معمولاً جذب زیبایی‌های ظاهری و گفتاری زنان می‌شوند؛ یوسف را به عنوان برترین نماد پاکی معرفی می‌کند و این سرگذشت را الگویی برای زنان و مردان مسلمان قرار می‌دهد.

دو) پرهیز از شوخی‌های کلامی

دل و گفتار رابطه‌ای متقابل دارند. تأثیر گفتار بر عواطف دیگران یا به عبارتی بر تحریک عواطف و احساسات دیگران یکی از ویژگی‌های بارز گفتار در انسان است. منظور از عواطف در اینجا، عواطف انفعالی است. عواطف انفعالی یا هیجان‌های درونی انسان مانند محبت، ترس، حسد، طمع و مانند این‌ها که به وسیله گفتار قابل تحریک هستند. تأثیر گفتار بر این‌گونه عواطف گاه مایه سلامت و آرامش روانی فرد و گاه موجب بروز هیجان‌های زیان‌بار در وی می‌شود (میر شاه جعفری و همکاران ۱۳۸۹).

محتوای گفتگوی زن و مرد و استفاده از کلمات در قالب شوخی و سخنان تحریک‌آمیز از اهمیت زیادی برخوردار است. از این رو، اساس سبک ارتباطی در اسلام که بر پایه اعتدال و میانه‌روی در هر چیز است؛ گاهی شوخی و مزاح را پسندیده و زمانی که افراد در به‌کارگیری مزاح از حد شرعی فراتر رفته مورد نکوهش قرار داده‌اند. شوخی زن و مرد نامحرم در هر زمان یا در هر مکانی امری ناپسند و حرام است. فقها معتقدند مزاح و شوخی توأم با قصد لذت جایز نیست (فاضل لنکرانی بی تا، ۱، ۴۵۴) و اگر مردی با زن نامحرم شوخی کند یعنی حرفی بزند و او را بخنداند، چون غالباً موجب وقوع در فتنه است باید ترک شود و جایز نیست (بهجت ۱۴۲۸، ۴، ۱۸۷). در این زمینه روایتی از ابو بصیر است که می‌گوید:

به زنی درس روخوانی قرآن می‌دادم و کمی با او شوخی کردم. وقتی خدمت امام باقر علیه السلام رسیدم فرمودند: چه چیزی به زن گفتی؟ رنگم پرید و خجالت کشیدم. بعد فرمودند: دیگر به طرف آن زن نرو و به او درس مده^۱ (حر عاملی ۱۴۰۹، ۲۰، ۱۹۸)

این روایت دلالت بر حرمت مزاح با نامحرم دارد (مکارم شیرازی ۱۴۲۵، ۱۳۶). دلیل

۱. كُنْتُ أُرِيْ امْرَأَةً كُنْتُ أَعْلَمُهَا الْقُرْآنَ فَمَا زُخْمَهَا بِشَيْءٍ - فَقَدِمْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ فَقَالَ لِي - أَيُّ شَيْءٍ قُلْتَ لِلْمَرْأَةِ (فَقَطَّيْتُ وَجْهِي) فَقَالَ لَا تُعْوَدُنَّ إِلَيْهَا.

این مطلب که مزاح با نامحرم حرام است را می‌توان این بخش از آیه ۳۲ سوره احزاب یعنی (فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ)، دانست، زیرا همان‌طور که در این آیه از گفتگوها و صحبت‌های غیر ضروری با نامحرم در صورتی که همراه با انتقال پیام‌های عاطفی و احساسی در لحن کلام بوده نهی شده، به نحو اولویت دلالت بر حرمت شوخی با نامحرم دارد، چراکه تدریجاً زمینه‌های ارتکاب گناه را ایجاد می‌کند. رسول خدا ﷺ در مورد پیامدهای اخروی مزاح با نامحرم فرمودند:

هر مردی که با زن نامحرم شوخی و مزاح کند به هریک کلمه از گفتارش خداوند او را هزار سال زندانی خواهد فرمود^۱ (حر عاملی ۱۴۰۹، ۲۰، ۱۹۸).

بنابراین باید گفت که تأثیر گفتار در قالب شوخی و خنده با نامحرم در برانگیختن احساسات درونی انسان، امری است که قابل انکار نیست. از این رو، با توجه به مفاسدی که در بیشتر موارد بر این امر مترتب می‌شود، پرهیز از آن در سبک دینی اسلام در همه موارد ضروری است. پس زمانی که مؤمن تشخیص دهد در مکالمه با نامحرم به انس و صمیمیت رسیده باید به قطع یا تقلیل ارتباط اقدام کند.

نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین ابعاد سبک زندگی اسلامی چگونگی ارتباط کلامی صحیح با نامحرم در جامعه است. در سبک زندگی هر شخص، چه فردی، چه اجتماعی و چه خانوادگی، شاخص‌ها و معیارهای اسلامی نقش مهمی را ایفا می‌کند. بر این اساس، روش‌ها و منش‌ها باید طبق آنچه دین اسلام بیان نموده به کار گرفته شود. در ارتباط کلامی با نامحرم باید آن‌دسته از شاخص‌های ارتباطی مورد توجه باشد که توسط آموزه‌های اسلامی توصیه شده است. نتایج حاصله از منابع اسلامی، دو شاخص کلی مدیریت لحن و محتوای کلام را در ارتباط با نامحرم مشخص می‌کند. توجه به شاخص‌ها و معیارهای ارائه شده از سوی دین اسلام در ارتباط زنان و مردان در جامعه برای دستیابی به یک محیط سالم در اجتماع و حضوری سازنده برای پیشرفت و تعالی فرد و جامعه است. با تحلیل آیات قرآن و روایات می‌توان دریافت که ارتباط کلامی با نامحرم اگر همراه با تلذذ و ریبه و انتقال پیام‌های عاطفی و احساسی باشد و یا بر این ارتباط مفسده‌ای مترتب شود، حرام خواهد بود. بر این اساس، برای داشتن ارتباطی سالم و مورد پسند بایسته است تا جایی که امکان دارد زن و مرد نامحرم ارتباط کلامی محدودی با یکدیگر داشته و در مواردی که بنا به ضرورتی، با یکدیگر ارتباط کلامی برقرار می‌کنند، به نحو معروف و شایسته سخن بگویند. گفتارهای

۱. وَ مَنْ فَاتَمَّ امْرَأَةً لَا يَفْلِكُهَا (حَبَسَهُ اللَّهُ) بِكُلِّ كَلِمَةٍ كَلَمَهَا فِي الدُّنْيَا أَلْفَ عَامٍ.

ناشایست در قالب کلمات تحریک آمیز با لحن نادرست و سخن گفتن در غیر ضرورت بین زن و مرد نامحرم، باید رعایت شود و از شوخی های بی مورد پرهیز شود تا زمینه را برای انحرافات اخلاقی فراهم نیاورد.

منابع

- قرآن کریم.
۱. ابن طیفور، احمد بن ابی طاهر. بی تا. بلاغات النساء. قم: الشریف الرضی.
 ۲. اون هارچی، کریستین ساندرز و دیوید دیکسون. مهارت های اجتماعی در ارتباطات میان فردی. ترجمه خشایار بیگی و مهرداد فیروزبخت. ۱۳۹۳. تهران: انتشارات رشد. چاپ هفتم.
 ۳. ایروانی، جواد، رضا وطن دوست، غلامحسین کمیلی، و رضا حق پناه. ۱۳۹۰. فرهنگ روابط اجتماعی در آموزه های اسلامی. مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی. چاپ چهارم.
 ۴. بحرانی، محمد سند. ۱۴۲۹. سند العروة الوثقی - کتاب النکاح. قم: مکتبه فدک.
 ۵. بحرانی، آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم. ۱۴۰۵. الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. چاپ اول.
 ۶. حائری، سید علی بن محمد طباطبایی. ۱۴۱۸. ریاض المسائل. قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام). چاپ اول.
 ۷. حر عاملی، محمد بن حسن. ۱۴۰۹. وسائل الشیعة. قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام). چاپ اول.
 ۸. حکیم، سید محسن طباطبایی. ۱۴۱۶. مستمسک العروة الوثقی. قم: مؤسسه دار التفسیر. چاپ اول.
 ۹. خمینی [امام]، سید روح الله، بی تا. تحریر الوسیلة. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
 ۱۰. دهخدا، علی اکبر. ۱۳۷۷. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
 ۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ۱۴۱۲. المفردات فی غریب القرآن. بیروت: دارالعلم. چاپ اول.
 ۱۲. شبیری زنجانی، سید موسی. ۱۴۱۹. کتاب النکاح. قم: مؤسسه پژوهشی رای پرداز. چاپ اول.
 ۱۳. صادقی زفره، حسن. ۱۳۸۲. معاشرت زنان و مردان از دیدگاه اسلام. قم: مرکز پژوهش های اسلامی صداوسیما. چاپ اول.
 ۱۴. طاهری نیا، احمد. ۱۳۸۶. ارتباط گفتاری زن و مرد نامحرم از دیدگاه کتاب و سنت. مجله معرفت (۱۲۲): ۱۱۳-۱۳۲.
 ۱۵. طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۷۲. مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات ناصرخسرو. چاپ سوم.
 ۱۶. _____ . ۱۳۷۷. تفسیر جوامع الجامع. تهران: انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم. چاپ اول.
 ۱۷. طبیب، سید عبدالحسین. ۱۳۷۸. اطیب البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات اسلام.
 ۱۸. فاضل قانع، حمید. ۱۳۹۳. حوزه روابط اجتماعی بر مبنای سبک زندگی اسلامی. فصل نامه سبک زندگی دینی (۱): ۷-۳۴.

۱۹. فراهیدی، خلیل بن احمد. ۱۴۱۰. العین. قم: نشر هجرت. چاپ دوم.
۲۰. فعالی، محمدتقی. ۱۳۹۴. سبک زندگی رضوی (۱) روابط میان‌فردی. مشهد: انتشارات بنیاد بین‌المللی فرهنگی هنری امام رضا علیه السلام. چاپ اول.
۲۱. _____ . ۱۳۹۶. مبانی سبک زندگی اسلامی. قم: انتشارات مؤسسه فرهنگی هنری دین و معنویت آل یاسین. چاپ اول.
۲۲. قرشی، سید علی‌اکبر. ۱۴۱۲. قاموس قرآن. تهران: دار الکتب الاسلامیه. چاپ ششم.
۲۳. کرمی، محمدتقی، و سید عبدالرسول علم‌الهدی. ۱۳۹۴. ارتباط عفیفانه به مثابه نظریه‌ای فرهنگی - ارتباطی. مجله معرفت فرهنگی اجتماعی (۳): ۲۷-۴۸.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۴۰۷. الکافی. تهران: دار الکتب الاسلامیه. چاپ چهارم.
۲۵. بهجت فومنی، محمدتقی. ۱۴۲۸. استفتاءات. قم: دفتر حضرت آیت‌الله بهجت رحمته. چاپ اول.
۲۶. فاضل لنکرانی، محمد. بی‌تا. قم: انتشارات امیر قلم. چاپ یازدهم.
۲۷. محسنیان راد، مهدی. ۱۳۹۲. ارتباطات انسانی. تهران: انتشارات سروش صداوسیما. چاپ چهاردهم.
۲۸. محمدزاده، زینب. ۱۳۹۵. بررسی تأثیر سبک زندگی اسلامی بر روابط فردی، اجتماعی و خانوادگی افراد با رویکرد احادیث رضوی. تحقیقات جدید در علوم انسانی (۳): ۱۳-۳۱.
۲۹. مطهری، مرتضی. ۱۳۸۹. مجموعه آثار. تهران: انتشارات صدرا. چاپ اول.
۳۰. معین، محمد. ۱۳۸۷. فرهنگ فارسی. تهران: انتشارات ساحل. چاپ چهارم.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر. ۱۴۲۴. کتاب النکاح. قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی‌طالب علیه السلام. چاپ اول.
۳۲. مهدوی کنی، محمدسعید. ۱۳۸۶. مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی. فصل‌نامه تحقیقات فرهنگی (۱): ۱۹۹-۲۳۰.
۳۳. میر شاه جعفری، ابراهیم، محمدجواد لیاقت‌دار، حمید مقامی، و مهدی کریمی علویجه. ۱۳۸۹. بررسی عوامل مؤثر بر ارتباط کلامی با رجوع به منابع و متون اسلامی. دو فصل‌نامه علمی پژوهشی تربیت اسلامی (۱۰): ۲۹-۴۴.
۳۴. نجفی، محمدحسن. ۱۴۰۴. جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. بیروت: دار إحياء التراث العربی. چاپ هفتم.
۳۵. نوری همدانی، حسین. ۱۳۸۴. جایگاه بانوان در اسلام. تهران: انتشارات مهدی موعود. چاپ سوم.
۳۶. یزدی، سید محمدکاظم. ۱۴۱۹. العروة الوثقی (المحشی). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. چاپ دوم.
۳۷. یوسفزاده، حسن. ۱۳۹۱. شاخص‌های ارتباطات اجتماعی در جامعه اسلامی. تهران: مرکز بررسی‌های راهبردی ریاست جمهوری با همکاری پژوهشگاه بین‌المللی جامعه المصطفی علیه السلام. چاپ اول.